

بسمه تعالی

## اصطلاحات پزشکی

تهیه و تنظیم

مژگان عاشوری

کارشناس آمار و مدارک پزشکی

معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

ویرایش (2)

2.....	مقدمه
2.....	ریشه کلمه
3.....	پیشوند
3.....	پسوند
5.....	مثالها
5.....	ریشه کلمات مربوط به اعضا
6.....	ریشه کلمات مربوط به رنگ
6.....	بحث تومور
7.....	سیستم گردش خون (Circulatory system)
8.....	سیستم عصبی (Nervous System)
8.....	سیستم گوارشی (Digestive System)
9.....	سیستم تنفسی (Respiratory System)
9.....	دستگاه ادراری (Urinary System)
10.....	سیستم تولید مثل مردان (Male Reproductive System)
10.....	سیستم تولید مثل زنان (Female Reproductive System)
11.....	سیستم اسکلتی عضلانی (Musculoskeletal System)
25-12.....	نمونه سوالات
25.....	لینک آزمون

لینک آزمون:

[https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLScxxH-A3CbgQxBY-UMB8Y2MrEG5ps8vLsibtBa\\_FRj3tTg7dQ/viewform?usp=sf\\_link](https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLScxxH-A3CbgQxBY-UMB8Y2MrEG5ps8vLsibtBa_FRj3tTg7dQ/viewform?usp=sf_link)

اصطلاح شناسی پزشکی یا زبان پزشکی به مجموعه واژگان و اصطلاحات پزشکی که برای توصیف بیماری ها و اختلالات بالینی و اجزای بدن انسان به کار می رود اطلاق می شود.

همچنین اصطلاحات پزشکی یک واژه نامه مخصوص است که توسط متخصصان مراقبت بهداشتی استفاده می شود تا بتوانند ارتباط صحیح و کار آمد ایجاد کنند.

اصطلاحات واژه های ساده و پرکاربردی هستند که برای بیان یک مفهوم خاص انتخاب شده اند. برای مثال اصطلاح فشارخون به طور خاص به افزایش فشار در شریان های مرکزی و محیطی اشاره دارد.

اصطلاحات پزشکی به وسیله ترکیب پیشوندها و پسوندها با ریشه کلمات ساخته می شوند. ریشه کلمات معمولا از زبان های یونانی و یا لاتین به عاریت گرفته می شوند. در ساخت واژه های جدید قواعد زبان شناختی به کار می رود که باعث ایجاد سادگی در آوایش واژه ها می شود. مطالعه ریشه کلمات در ریشه شناسی بررسی می شود. این کلمات در سراسر جهان به صورت هماهنگ و یکنواخت می باشد. کلیه مراقبان بهداشتی و درمانی نیازمند شناخت اصطلاحات پزشکی هستند.

اجزای مختلف اصطلاحات پزشکی شامل:

. Morpheme تکواژه

. Word root ریشه کلمه

. Perfix پیشوند

. Suffix پسوند

شرح مختصری از عبارات فوق:

## 1) ریشه کلمه

قسمت اصلی هر لغت را تشکیل می دهد و معنی اصلی کلمه را در بر می گیرد. بخشی از کلمه است که پیشوندها و پسوندها برای تغییر معنی کلمه به آن اضافه می شوند.

همه ریشه ها کلمات کامل نیستند. گاهی اوقات شما مجبورید ترکیب یک لغت را قبل از تعیین معنی آن در نظر بگیرید.

اصطلاح پزشکی ممکن است از یک یا چند ریشه تشکیل شده باشد وغالب آنها مربوط به اعضای بدن می باشند به این اصطلاحات، اصطلاح ترکیبی می گویند. مانند:

Arthr-algia: درد مفاصل (algia به معنی درد و Arthr به معنی مفاصل)

Nephr-ectomy: در آوردن کلیه (ectomy به معنی درآوردن و Nephr به معنی کلیه)

Phot-o-sensitive: حساسیت به نور (sensitive به معنی حساسیت و Phot به معنی نور)

Hyp-o-therm-ia: درجه حرارت پایین (therm- به معنی دما و Hypo به معنی کاهش)

Cardiovascular: مربوط به قلب و عروق خونی (vascular به معنی عروق و Cardio به معنی قلب)

Urogenital: مربوط به دستگاه ادراری و سیستم تناسلی (Uro به معنی ادراری و genital به معنی تناسلی)

یک ریشه ممکن است در جا های مختلف معنی متفا وتی را ارائه دهد.

-ریشه Myel به معنی مغز یا Marrow بوده و در مورد مغزاستخوان یا نخاع بکار می رود.

-ریشه کلمه sclera به معنی سخت است و سفیدی چشم نیز معنی می هد.

Cyst- به معنی حفره یا کیسه است ولی اختصا صا به مثانه ادراری **Urinary bladder** نیز اطلاق می شود.

## (2) پیشوندها

کلمه یا جزء کوتاهی است که قبل از یک کلمه یا ریشه برای تغییر در معنی آن اضافه می شود.

مانند pre – به معنی قبل

## (3) پسوندها:

کلمه یا مجموعه کوتاهی است که به انتهای ریشه برای تغییر در معنی آن اضافه می شود . مانند(-i t و -i s) به معنی التهاب

پسوند ممکن است نشان دهد که یک کلمه اسم است یا صفت و اغلب چگونگی توصیف یک کلمه را تعیین می کند.

پسوندها اغلب شامل:

- اسم ها : یک شخص ، مکان یا شیء
- صفت ها : کلماتی که اسمها را توصیف می کنند.
- صیغه های جمع : پسوندهایی که اسامی مفرد را به جمع تبدیل می کنند .
- پسوندهایی که مربوط به حالت های بیماری ، معالجات پزشکی یا سیستمهای اختصاصی بدن هستند.

بدون ترتیب خاصی، از آغاز کلمات (پیشوندها) و پایان کلمات (پسوندها) برای تشکیل بسیاری از اصطلاحات پزشکی استفاده می شود.

معنی فارسی	( مثال از اصطلاحات پزشکی) examples	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (prefix) پسوند (Suffix)
آپاندیسیت (التهاب آپاندیس)، تانسیلیت (التهاب لوزه)	tonsillitis, appendicitis	التهاب	inflammation	itis
سیانوز (کبودی در نتیجه سرما و یا کمبود اکسیژن))	cyanosis	وضعیت غیر طبیعی	abnormal condition	osis
تانسیلکتومی (برداشتن لوزه)، آپاندکتومی (برداشتن آپاندیس)	appendectomy, tonsillectomy	قطع کردن و برداشتن	to cut out	ectomy
تراکتوتومی (بریدن نای)	tracheotomy	بریدن	to cut into	otomy
کلوستومی (ایجاد سوراخ در روده بزرگ)	colostomy	ایجاد سوراخ	to make a "mouth"	ostomy
آنمی (کمخونی)	anemia	بدون	without, none	a/an
میکروستومی (ایجاد سوراخ کوچک)	microstomia	کوچک	small	micro
ماکروستومی (ایجاد سوراخ بزرگ)	macrostomia	بزرگ	large	macro
مگاکولون (بزرگ شدن کولون)	megacolon	بزرگ شدن	enlarged	mega/ -megaly
کولونوسکوپی (دیدن کولون)	colonoscopy	دیدن	to look, observe	-scopy /-scopic
ماموگرافی (عکس برداری از پستان)	mammography	ضبط یک تصویر	recording an image	graphy/ -graph
ماموگرام (عکس پستان)	mammogram	تصویر	the image	gram
نفرولوژیست (متخصص کلیه)، کاردیولوژیست (متخصص قلب)	cardiologist, nephrologist	متخصص در...	study, specialize in	-ology/ -ologist

ریشه کلمات مربوط به اعضا

معنی فارسی	( مثال از اصطلاحات پزشکی) examples	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (prefix) پسوند (Suffix)
استوماتیت (التهاب دهان)	stomatitis	دهان	mouth	Stomato
دندان پزشکی	dentist	دندان	teeth	Dento
گلوستیت (التهاب زبان)، لینگوال نرو (عصب زبانی)	glossitis, lingual nerve	زبان	tongue	Glosso/linguo
ژنژیویت (التهاب لثه)	gingivitis	لثه	gums	Gingivo
آنسفالیت (التهاب مغز)	encephalitis	مغز	brain	Encephalo
گاستریت (التهاب معده)	gastritis	معده	stomach	Gastro
گاستروانتریت (التهاب معده و روده)	gastroenteritis	روده	intestine	Entero
کولیت (التهاب روده بزرگ)، مگاکولون (بزرگی روده بزرگ)	colitis, megacolon	روده بزرگ	large intestine	Colo
پروکتولوژیست (متخصص رکتوم)، پروکتیت (التهاب مقعد)	proctitis, proctologist	رکتوم / مقعد	anus/rectum	Procto
هپاتومگالی (بزرگ شدن کبد)، هپاتیت (التهاب کبد)	hepatitis, hepatomegaly	کبد	liver	Hepato
نفروز (التهاب کلیه)، رنال آرتری (شریان کلیه)	nephrosis, renal artery	کلیه	kidney	Nephro/rene
ارکیدیت (التهاب بیضه)، ارکیدکتومی (برداشتن بیضه)	orchiditis, orchidectomy	بیضه	testis	Orchido
اوفورکتومی (برداشتن تخمدان)	oophorectomy	تخمدان	ovary	Oophoro
هیسترکتومی (برداشتن رحم)، اندومتریت (التهاب داخل رحمی)	hysterectomy, endometritis	رحم	uterus	Hystero/metro
هیستروسالپینگوگرام (عکس رحم و لوله های رحمی)	hysterosalpingogram	لوله های رحمی	uterine tubes	Salpingo
درماتیت (التهاب پوست)	dermatitis	پوست	skin	Dermo
ماستکتومی (برداشتن پستان)، ماموگرافی (عکس برداری از پستان)	mammography, mastectomy	پستان	breast	Masto/mammo
استئوپروز (پوکی استخوان)	osteoporosis	استخوان	bones	Osteo
نوار قلب	electrocardiogram (ECG)	قلب	heart	Cardio
سیستیت (التهاب مثانه)	cystitis	مثانه	bladder	Cysto
رینیت (التهاب بینی)	rhinitis (runny nose!)	بینی	nose	Rhino
فلبیت (التهاب سیاهرگ)، فلبوتومی (بریدن سیاهرگ)	phlebitis, phlebotomy	سیاهرگ	veins	Phlebo/veno
پنومونیت (التهاب ریه)، پولمونولوژیست (متخصص ریه)	pneumonitis, pulmonologist	ریه	lung	Pneumo/pulmo
آنمی (کمخونی)، هماتولوژیست (متخصص خون)	hematologist, anemia	خون	blood	Hemo/emia

توجه داشته باشید که برخی از اندام ها بیش از یک ریشه کلمه دارند مثال: "masto" و "mammo". به طور معمول، یکی از یونانی و یکی از لاتین مشتق شده است باید هر دو ریشه را در نظر داشت زیرا ممکن است هر کدام از آنها استفاده شود.

بریدگی عفونی یک التهاب است. "چشم صورتی" (Pink eye) یک التهاب است. اما، چهار چیز باید برای تعریف التهاب وجود داشته باشد: درد، قرمزی، گرما و تورم (dolor (درد)، rubor (سرخ شدن)، calor (حرارت) و tumor (تومور) در لاتین!!). اما، التهاب یک اندام داخلی مانند معده یا کلیه باید با تکیه پزشک بر علائم و نشانه ها و احتمالاً نیاز به بیوپسی (نمونه بافت) برای بررسی زیر میکروسکوپ توسط متخصص پاتولوژیست در شناسایی علل بافت های بیمار، مشخص شود.

ریشه کلمات مربوط به رنگ

معنی فارسی	(مثالی از اصطلاحات پزشکی) examples	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (prefix) پسوند (Suffix)
لوسمی (فراوانی بیش از حد گلبول سفید)	leukemia (overabundance of white blood cells)	سفید	white	Leuk/o
ملانوما (تومور سیاه پوست)	melanoma (black tumor of the skin)	سیاه	black	melan/o
سیانوز (کبودی ناشی از سرما یا کمبود اکسیژن در خون)	cyanosis (blueness may be due to cold or not enough oxygen in blood)	آبی، کبود	blue	cyan/o
گزانتوما (تومور زرد)	xanthoma	زرد	yellow	xanth/o

بحث تومور

معنی فارسی	(مثالی از اصطلاحات پزشکی) examples	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (prefix) پسوند (Suffix)
آدنوم (تومور غده)	adenoma	غده	gland	Aden/o
لیپوم (تومور چربی)	lipoma	چربی	fat	Lip/o
میوم (تومور ماهیچه)	myoma	ماهیچه	muscle	My/o
لنفوم (تومور بافت لنفی)	lymphoma	بافت لنفی	lymph tissue	Lymph/o
کارسینوم (تومور بدخیم)	carcinoma	بدخیم	malignant	carcin/o
استئوما (تومور استخوان)	osteoma	استخوان	bone	Osteo/o

پیشوند (prefix) Suffix (پسوند)	معنی فارسی	انگلیسی	معنی فارسی examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی
Endo	within, inside of	درون	endoscopy (to inspect the inside of an organ or space with a lighted instrument)	اندوسکوپی (بررسی داخل اندام یا فضا با ابزار دارای نور)
Peri	around	اطراف، دور	perianal (around the anus)	پری آنال (اطراف مقعد)
Circum	around	دور، اطراف	circumcise (cut around)	سیرکام ساینز (ختنه کردن)
Retro	behind	عقب	retrosternal (behind the breastbone)	رترواسترنال (پشت قفسه سینه)
Epi	upon, on top	رو	epidermis (the top or outermost layer of skin)	اپیدرم (بالایی یا خارجی ترین لایه پوست)
Trans	through	از طریق	transurethral (through the urinary exit duct)	ترانس اورترال (از طریق پیشابراه (مجرای خروج ادرار))
Intra	within	داخل	intravenous (inside the veins, e.g. IV fluids)	اینتراونوس (داخل وریدی (داخل وریدها، به عنوان مثال مایعات IV))
Sub	below	زیر	subclavian (below the clavicle = collar bone)	ساب کلاوین (زیراستخوان ترقوه)

سیستم گردش خون (Circulatory system)

پیشوند (prefix) Suffix (پسوند)	معنی فارسی	انگلیسی	معنی فارسی examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی
Cardi/o	heart	قلب	Endocarditis, myocarditis, pericarditis (inflammation of the lining, the muscle layer, the out layer of the heart)	اندوکاردیت (التهاب پوشش داخلی)، میوکاردیت (التهاب لایه ماهیچه ای)، پریکاردیت (التهاب لایه بیرونی قلب)
Brady	slow	آهسته (کند)	Bradycardia (rate < 60)	برادی کاردی (کند شدن ضربان قلب) (میزان کمتر از ۶۰)
/tachy	fast	سریع (تند)	tachycardia (rate > 100)	تاکی کاردی (تند شدن ضربان قلب) (میزان بیش از ۱۰۰)
Angi/o	vessel	رگ	Angiography, angiogram (X-ray of artery)	آنژیوگرافی، آنژیوگرام (عکس برداری از رگ)
Veno	vein	سیاهرگ	Venogram (X-ray of veins)	ونوگرام (عکس برداری از سیاهرگ)
phlebo	vein	سیاهرگ	phlebitis (inflammation of veins)	فلبیت (التهاب سیاهرگ)
-stasis	to stop	توقف	Hemostasis (to stop bleeding)	هموستاز (توقف خونریزی)
-cyte	cell	سلول	Erythrocytes (red blood cells) leucocytes (white blood cells)	اریتروسیت (گلبولهای قرمز) لوکوسیت (گلبولهای سفید)
Hem/o, -emia	blood	خون	Hypoxemia (low oxygen), hematosalpinx (blood in the uterine tubes)	هیپوکسمی (کمبود اکسیژن خون)، هماتوسالپنکس (خون در لوله های رحمی)



سیستم عصبی (Nervous System)

معنی فارسی	examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (Prefix) پسوند (Suffix)
سفالژی (سردرد)	Cephalgia (a headache)	سر	Head	Cephal
انسفالیت (التهاب مغز) آن انسفالیک (تولد بدون مغز)	Encephalitis (inflammation of the brain) Anencephalic ((born without a brain)	داخل سر (مغز)	Inside the head (brain)	Encephal/o
مننژیت (التهاب مننژ (پرده اطراف مغز و نخاع))	Meningitis (inflammation of the membranes)	غشاهای اطراف مغز و نخاع	Membranes surrounding the brain and spinal cord	Mening/o
میلوگرام (عکس برداری از نخاع)	Myelogram (X-ray of the spinal cord)	نخاع	Spinal cord	Myel/o
نوروما (تومور عصب) نوریت (التهاب عصب)	Neuroma (tumor) Neuritis (inflammation)	عصب	Nerve	Neur/o
دیسلکسی (اختلال در خواندن)	Dyslexia (difficulty reading)	سخت، دردناک، غیر طبیعی (اختلال)	Difficult, painful, abnormal	Dys
مننگومیلوسل (برآمدگی غشاهای و طناب نخاعی)	Meningomyelocele (protrusion of membranes and spin cord)	فتق، بیرون زدگی غیر طبیعی ساختار از موقعیت آناتومیک طبیعی	Hernia, abnormal protrusion of structure out of normal anatomical position	-cele
آنسفالوپاتی (بیماری مغز) نوروپاتی (بیماری اعصاب)	Encephalopathy (disease of the brain) Neuropathy (disease of the nerves)	بیماری، ناهنجاری	Disease, abnormality	-pathy
آپلازی (عدم رشد) هایپرپلازی (بیش از حد رشد)	Aplasia (no development) Hyperplasia (over development)	توسعه، شکل گیری، رشد	Development, formation, growth	-plasia
همی پلژی (فلج یک طرف بدن) کوادری پلژی (فلج هر چهار اندام)	Hemiplegia (paralysis of one side of the body) Quadriplegia (paralysis of all four limbs)	فلج	Paralysis	-plegia

سیستم گوارشی (Digestive System)

معنی فارسی	examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (Prefix) پسوند (Suffix)
گاستریت (التهاب معده)، گاسترکتومی (برداشتن معده)	Gastritis, Gastrectomy	معده	Stomach	Gastr/o
هپاتیت (التهاب کبد)، هیاتوم (تومور کبد)	Hepatitis (inflammation of), hepatoma (tumor of)	کبد	Liver	Hepat/o
کوله سیستیت (التهاب کیسه صفرا)، کوله سیستکتومی (برداشتن کیسه صفرا)	Cholecystitis, cholecystectomy (inflammation of, removal of gallbladder)	صفرا	Gall, bile	Chol/e
سیستیت (التهاب مثانه)، سیستکتومی (برداشتن مثانه)	cystitis, cystectomy (inflammation of, removal of bladder)	مثانه	Bladder, sac	Cyst/o
ایمیز (استفراغ)، ایمتیک (تحریک کننده استفراغ)، ضد استفراغ (قطع استفراغ)	Emesis (vomiting), emetic (stimulating vomiting), antiemetic (stopping vomiting)	استفراغ	Vomit	Emes/o
کوله لیتوتومی (برداشتن سنگ های صفراوی)	Cholelithotomy (removal of gall stones)	سنگ	Stone	Lith/o
لاپاراتومی (برش شکم)	Laparotomy (cutting into the abdomen)	دیواره شکمی	Abdominal wall	Lapar/o
ابدومینوسنتز (سوراخ کردن و تخلیه)	Abdominocentesis (puncturing and draining)	سوراخ	To puncture	-centesis
کوله لیتوتریپسی (شکستن سنگ های صفراوی با امواج صوتی)	Cholelithotripsy (smashing gall stones with sound waves)	خرد کردن	To crush	-tripsy
دایریا (اسهال)	Diarrhea	جریان، تخلیه	Flow, discharge	-rrhea
کوله لیتیازیس (وجود سنگ های صفراوی که علائم ایجاد می کند)	Cholelithiasis (presence of gall stones causing symptoms)	وضعیت غیر طبیعی	Abnormal condition	-iasis (-osis)

سیستم تنفسی (Respiratory System)

پیشوند (prefix) پسونند (Suffix)	انگلیسی	معنی فارسی	examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی
Rhin/o	Nose	بینی	Rhinitis, rhinorrhea (inflammation of and “runny” nose)	رینیت (التهاب)، رینوره (آبریزش بینی)
Laryng/o	Larynx, “voice box”	حنجره	Laryngotomy, Laryngectomy (cutting into, surgically removing the larynx)	لارنگوتومی (بریدن حنجره)، لارنگکتومی (برش، برداشتن حنجره)
Trache/o	Trachea, “windpipe”	نای	Tracheotomy, tracheostomy (temporary and permanent openings)	تراکتوتومی (برش نای)، تراکتوستومی (سوراخ کردن نای)
Bronch/o	Lung air passageways	راههای هوای ریه	Bronchoscopy (looking into the bronchi)	برونکوسکوپی (نگاه کردن داخل راههای هوایی)
Pne/u, -pnea	Breath, air, lung	نفس، هوا، ریه	Tachypnea, dyspnea, apnea (accelerated, difficult/painful, cessation of breathing)	ناکی پنه (تندی تنفس)، دیس پنه (تنگی نفس)، آپنه (قطع تنفس)
Pulmo/o	Lung	ریه	Pulmonary artery	شریان ریوی
-ptysis	Spitting (coughing)	تف کردن (سرفه)	Hemoptysis (spitting or coughing up blood from lungs)	هموپتزی (تف کردن یا سرفه کردن خون از ریه ها)
-plasty	Reconstruction	بازسازی	Rhinoplasty (surgical reconstruction of nose)	رینوپلاستی (ترمیم جراحی بینی)

دستگاه ادراری (Urinary System)

پیشوند (prefix) پسونند (Suffix)	انگلیسی	معنی فارسی	examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی
Nephr/o	Kidney	کلیه	Nephritis	نفریت (التهاب کلیه)
ren/o	Kidney	کلیه	renal artery	شریان کلیوی
Hydro/o	Water	آب	Hydronephrosis (abnormal condition involving back up of urine into the kidney)	هیدرونفروز (وضعیت غیر طبیعی شامل برگشت ادرار به کلیه)
Cyst/o	Bladder	مثانه	Cystitis, cystectomy (inflammation of, removal of bladder)	سیستیت (التهاب مثانه)، سیستکتومی (برداشتن مثانه)
Pyel/o	Renal collecting ducts	مجاری جمع کننده کلیه	Pyelogram (X-ray of the collecting ducts)	پیلوگرام (عکس از مجاری جمع کننده)
Ur/o, -uria	Urine	ادرار	Polyuria, anuria (frequent urination, no urine formation)	پلی اوری (تکرر ادرار)، آنوری (عدم تشکیل ادرار)
Olig/o	Scanty, less than normal	کم، کمتر از حد معمول	Oliguria (reduced urine formation)	الیگوری (کاهش تشکیل ادرار)
-pexy	To surgically reattach, fix in normal position	اتصال مجدد از طریق جراحی، در وضعیت عادی ثابت کردن	Nephropexy (surgically attach kidney in normal anatomical position)	نفروپکسی ( تثبیت کلیه با جراحی در موقعیت آناتومیک طبیعی )

سیستم تولید مثل مردان (Male Reproductive System)

معنی فارسی	(مثالی از اصطلاحات پزشکی) examples	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (prefix) پسوندها (Suffix)
ارکیدیت (التهاب بیضه)، ارکیدکتومی (برداشتن بیضه)	Orchiditis, orchidectomy	بیضه	Testes (male gonad) *	Orchid/o
شریان بیضه، تستوسترون (هورمون جنسی مردانه)	testicular artery, testosterone (male sex hormone)	بیضه	Testes (male gonad) *	test/o
بالانیت (التهاب سر آلت تناسلی)	Balanitis	سر آلت تناسلی	Head of the penis	Balan/o
آندروژنیک (تحریک کننده مردانگی)، آندروژنوس (ویژگی های ظاهری مرد و زن)	Androgenic (stimulating maleness), androgynous (characteristics of male and female appearance)	مرد، نر	Male	Andr/o
پروستاتیت (التهاب پروستات)، پروستاتکتومی (برداشتن پروستات)	Prostatitis, prostatectomy	پروستات	Prostate	Prostat/o
مجرای حمل کننده اسپرم از اپیدیدیم به مجرای انزال در هنگام انزال، وازکتومی (برداشتن مجرای حامل منی از بیضه ها)	Vas deferens, vasectomy (duct carrying semen from testes, cutting the duct)	کششی، مجرای	Vessel, duct	Vas/o
هرنیورافی (اصلاح فتق کشاله ران با جراحی)	Herniorrhaphy (surgical correction of inguinal hernia)	بخیه زدن	To suture	-rrhaphy

سیستم تولید مثل زنان (Female Reproductive System)

معنی فارسی	(مثالی از اصطلاحات پزشکی) examples	معنی فارسی	انگلیسی	پیشوند (prefix) پسوندها (Suffix)
هیستریکتومی (برداشتن رحم)	Hysterectomy	رحم	Uterus	Hyster/o
اندومتریس (التهاب پوشش داخلی رحم)	endometritis (inflammation of the lining of uterus)	رحم	Uterus	metr/
سالپنژیت (التهاب لوله رحمی)	Salpingitis	لوله رحم	Uterine tube	Salping/o,
هماتوسالپنکس (خون در لوله رحم)	hematosalpinx (blood in the uterine tube)	لوله رحم	Uterine tube	-salpinx
اوفورکتومی (برداشتن تخمدان)، اوفوروپکسی (تثبیت جراحی لوله رحمی، اتصال مجدد لوله رحمی)	Oophorectomy, oophoropexy (surgery fixation, reattachment)	تخمدان	Ovary	Oophor/o
منارک (اولین قاعدگی)، دیسمنوره (قاعدگی دردناک)	Menarche (first), dysmenorrhea (painful menstruation)	قاعدگی زنان	Menstruation	Men/o
ماموگرام (عکس پستان)	Mammogram	پستان	Breast	Mamm/o
ماستکتومی (برداشتن پستان)	mastectomy	پستان	Breast	mast/o
دیسپارونی (مقاربت دردناک)، پیش از مقاربت، پس از مقاربت	Dyspareunia (painful intercourse), precoital (before intercourse), postcoital (after intercourse)	مقاربت	Intercourse	pareunia coitus
نالی گراوید (هرگز باردار نمی شود)، پریمی گراوید (برای اولین بار باردار)، مالتی گراوید (چند بارداری)	Nulligravida (never pregnant), primigravida (first-time pregnant), multigravida (many pregnancies)	بارداری	Pregnancy	-gravida
نالی پارا (بدون تولد زنده)، مالتی پارا (چند تولد زنده)	Nullipara (no live births), multipara (many live births)	تولد زنده	Live birth	-para
پری پارتوم (قبل از زایمان)، پست پارتوم (پس از زایمان)	Prepartum (before delivery), postpartum (after delivery)	زایمان	Labor/delivery	Part/o
دیستوسی (زایمان سخت)	dystocia (difficult delivery)	زایمان	Labor/delivery	toc/o

سیستم اسکلتی عضلانی (Musculoskeletal System)

پیشوند (prefix) پسوند (suffix)	انگلیسی	معنی فارسی	examples (مثالی از اصطلاحات پزشکی)	معنی فارسی
Oste/o	Bone	استخوان	Osteitis, osteoma, osteocyte	اوستیت (التهاب استخوان)، استئوما (تومور استخوان)، استئوسیت (کیست استخوان)
Chondr/o	Cartilage	غضروف	Chondritis, chondroma, chondrocyte	کندریت (التهاب غضروف)، کندروما (تومور غضروف)، کندروسیت (کیست غضروف)
Arthr/o	Joint	مفصل	Arthritis, arthroplasty	آرتریت (التهاب مفصل)، آرتروپلاستی (ترمیم مفصل)
Myel/o	Bone marrow	مغز استخوان	Myeloma	میلوما (تومور مغز استخوان)
Ten/o, tendin/o	Tendon (binds muscle to bone)	تاندن (زردهی) (عضوی برای اتصال ماهیچه به استخوان)	Tendonitis, tenorrhaphy	تاندونیت (التهاب تاندن)، تنورافی (ترمیم تاندن)
Ligament/o	Ligament (binds bone to bone)	رباط (اتصال استخوان به استخوان)	Ligamentous injury	آسیب رباط
Burs/o	Bursa, "bag", (shock absorber between tendons and bones)	بورسا، "کیسه" (جاذب ضربه بین تاندون ها و استخوان ها)	Bursitis	بورسیت (التهاب بورسا)
My/o, myos/o	Muscle	ماهیچه	Myoma, myositis	میوم (تومور ماهیچه)، میوزیت (التهاب ماهیچه)
-malacia	Softening	نرم شدن	Osteomalacia, chondromalacia	استئومالاسی (نرمی استخوان)، کندرومالاسی (نرمی غضروف)
-porosis	Porous	متخلخل	Osteoporosis	استئوپروز (پوکی استخوان)
-asthenia	Weakness, loss of strength	ضعف، از دست دادن قدرت	Myasthenia gravis	میاستنی گراویس (ضعف عضلانی خطرناک)
-trophy	Development, stimulation, maintenance	توسعه، تحریک، نگهداری	Atrophy (shriveling of muscles), hypertrophy (increase in size and strength of muscles)	آتروفی (تحلیل) (چروکیدگی عضلات)، هیپرتروفی (افزایش اندازه و قدرت عضلات)
-algia, algesia	Pain	درد	Myalgia, arthralgia, analgesia (take away pain)	میالژی (درد عضله)، آرترالژی (درد مفصل)، آنالژی (بی دردی) (از بین رفتن درد)

## نمونه سوالات اصطلاحات پزشکی

توجه : در پاسخگویی به سوالات اجزای هر اصطلاح را از هم جدا کنید(تکه تکه کنید) تا بتوانید مفهوم اصطلاح ارائه نشده در جزوه را دریابید.

- 1- اگر به اندازه کافی دندان ها را مسواک نشده باشد، ممکن است با خونریزی لثه مواجه و وضعیتی به نام .... بوجود آید.
- hepatitis ○
  - colitis ○
  - gingivitis ○
  - stomatitis ○
  - proctitis ○
- 2- برای بیماری سرطان روده بزرگ تشخیص داده شده است و نیاز به برداشتن کولون با جراحی دارد. او در نهایت با یک سوراخ دائمی در شکم خود برای تخلیه به یک کیسه مواجه می شود.
- megacolon ○
  - colitis ○
  - colonoscopy ○
  - colostomy ○
  - colectomy ○
- 3- فردی در ناحیه بالای شکم دچار دردهای مزمن است و پزشک خانواده شما را به متخصص بیماری های دستگاه گوارش به نام ... ارجاع می دهد:
- cardiologist ○
  - pulmonologist ○
  - neurologist ○
  - gastroenterologist ○
  - proctologist ○
- 4- تشخیص داده شده که فردی کبد بزرگی دارد. پزشک آن را چنین توصیف می کند:
- megacolon ○
  - hepatomegaly ○
  - macrostomia ○
  - hepatitis ○
  - gastroenteritis ○
- 5- شخصی را با کمردرد شدید و خون در ادرار به اورژانس رفته است. پس از معاینه و آزمایشات آزمایشگاهی، پزشک گزارش می دهد که او دچار التهاب کلیه شده است و تشخیص ... می دهد
- hepatitis ○
  - cystitis ○
  - proctitis ○
  - nephritis ○
  - orchiditis ○
- 6- پزشک به فردی که دوندۀ مسافت طولانی است گفته است که قلبش بزرگ شده است، اما این می تواند یک یافته طبیعی در ورزشکارانی باشد که شرایط خوبی دارند. تشخیص .... است
- hepatomegaly ○
  - cardiomegaly ○
  - megacolon ○
  - macrostomia ○
  - myocarditis ○

7- خانمی در حال برداشتن رحم همراه با تخمدان هایش است. برداشتن تخمدان ها ... نامیده می شود.

- hysterectomy
- orchidectomy
- appendectomy
- oophorectomy

○ gastrectomy

8- یک بیمار به دلیل التهاب مزمن لوله های رحمی ناشی از عفونت مکرر با بیماری های مقاربتی عقیم شده است. این التهاب لوله ای..... نامیده می شود.

- endometritis
- perimetritis
- salpingitis
- hepatitis
- proctitis

9- یک بیمار مبتلا به صرع روشی را انجام داده است که فعالیت الکتریکی مغز را ثبت می کند. این روش ... نامیده می شود.

- electrocardiography
- electroencephalography
- electromyography
- electrogastrography
- electrophoresis

10- یک بیمار زن یک روش خاص رادیوگرافی سینه ها را انجام می دهد. تصویر اشعه ایکس ..... نامیده می شود

- mammoplasty
- mammoplasia
- mammography
- mastectomy
- mammogram

11- پریکاردیت (**Pericarditis**) اصطلاحی است که التهاب ... را توصیف می کند

- پوشش داخلی حفره های قلب
- کیسه سختی که قلب را احاطه کرده است
- لایه عضلانی قلب
- یک شریان کرونر
- یک دریچه قلب

12- پزشک متخصص در تشخیص بیماری های قلبی .... نامیده می شود

- hematologist
- serologist
- pathologist
- cardiologist

○ cardiovascular surgeon

13- ثبت فعالیت الکتریکی قلب ..... نامیده می شود.

- Echocardiogram
- cardiac scan
- electrocardiogram
- cardiac catheterization

○ Magnetic Resonance Imaging (MRI)

14- برادی کاردی (Bradycardia) اصطلاحی است که به آن اشاره می کند.

- ضربان قلب غیر طبیعی سریع (fast)
- التهاب عضله قلب
- قلب بزرگ شده
- ضربان قلب غیر طبیعی کند (slow)
- قلب کوچک غیر طبیعی

15- کدام یک از سلول های زیر رنگ قرمز را به خون می دهد؟

- leucocytes
- erythrocytes
- melanocytes
- cenocytes
- phagocytes

16- التهاب سیاهرگ ها .... نامیده می شود

- lymphangitis
- hemangioma
- phlebitis
- arteritis

○ angina

17- آسیب دائمی به عضله قلب به دلیل انسداد شریان..... نامیده می شود.

- angina pectoris
- myocardial infarct
- cardiomyopathy
- cardiomegaly
- myocarditis

18- تکنسین پزشکی که برای آزمایش های آزمایشگاهی از ورید خون می گیرد ..... نامیده می شود.

- cardiologist
- hematologist
- phlebotomist
- radiologist
- serologist

19- پزشک تشخیص می دهد که سوفل قلبی (صدای غیرطبیعی قلب) در بیمار ناشی از تنگ شدن مجرای دریچه قلب است. اصطلاح آن..... است

- ischemia
- prolapse
- regurgitation
- stenosis
- angina

20- hemangioma یعنی

- خون موجود در مایع نخاعی
- خون بین قلب و کیسه پریکارد یافت می شود
- تومور عضله قلب
- تومور عروق خونی
- خون بین جمجمه و مغز یافت می شود.

21- 1- Meningitis مننژیت به ..... اشاره دارد.

- التهاب مغز
- التهاب غشاهای اطراف مغز
- التهاب نخاع
- احساس خارش پوست سر

**22- Neuropathy** نوروپاتی اصطلاحی است که ..... توصیف می کند.

- متخصص بیماری های سیستم عصبی
  - التهاب غشاهای اطراف مغز
  - بیماری غیر التهابی اعصاب
  - عدم وجود مغز در بدو تولد
  - فتق مغز در خارج از جمجمه
- 23- Meningomyelocele** مننگومیلوسل یعنی :

- بیرون زدگی (فتق) مغز از جمجمه (skull)
  - فتق غشاهای محافظ اطراف مغز (brain)
  - فتق هر دو غشای محافظ و نخاع (spinal cord)
  - التهاب غشاهای اطراف مغز
  - سوراخ در غشاهای محافظ اطراف مغز
- 24- Aphasia** فازی اصطلاحی است که دشواری یا از دست دادن توانایی ..... را تعریف می کند.

- خواندن
  - نوشتن
  - دیدن
  - شنیدن
  - صحبت کردن
- 25-** کدام یک از روش های زیر شامل تزریق یک عنصر رادیواکتیو به ورید بیمار است که ممکن است وجود تومور را نشان دهد؟

- اسکن مغز (brain)
- توموگرافی کامپیوتری
- الکتروانسفالوگرافی (Electroencephalography)
- تصویربرداری رزونانس مغناطیسی (MRI) Magnetic resonance imaging
- آنژیوگرافی

**6-** نوزادی بدون مغز متولد شده، تشخیص ..... است.

- Encephalitis
- Myelodysplasia
- Meningocele
- Anencephalic
- Meningomyelocele

**7-** ممکن است بیماری تومور مغزی داشته باشد، پزشک تصمیم می گیرد از روشی استفاده کند که بالاترین وضوح تصویربرداری از بافت های نرم را ارائه دهد. او برای ..... دستور می دهد

- اسکن مغز
- توموگرافی کامپیوتری
- الکتروانسفالوگرافی
- MRI (تصویربرداری رزونانس مغناطیسی)
- lumbar puncture



8- تومور غشای محافظ اطراف مغز و نخاع ..... نامیده می شود.

- Neuroma
- Encephalocele
- Myeloma
- Meningioma
- Meningocele

9- بیمار به طور ناگهانی در صحبت کردن دچار مشکل می شود و بازوی راست او احساس سفتی و ضعف می کند پس از چهار ساعت، گفتار و حرکات طبیعی او به طور کامل بازگشته است این بیمار به احتمال زیاد دچار یک ..... شده است.

- Stroke
- transient ischemic attack
- narcoleptic episode
- epileptic seizure
- (MI) myocardial infarction

10- به رشد غیر طبیعی یا عدم رشد (اختلال در رشد) بخشی از نخاع ..... گفته می شود.

- anencephalic
- encephalitis
- meningocele
- myelodysplasia
- encephalopathy

11- یک داروی ایمتیک (emetic drug) کدام یک از اعمال زیر را دارد؟

- توقف خونریزی
- القای استفراغ
- توقف استفراغ
- توقف اسهال
- از بین بردن باکتریها

12- معرفی یک ابزار فیبر نوری از طریق دیواره شکم برای اهداف تشخیصی ..... نامیده می شود.

- sigmoidoscopy
- colonoscopy
- laparoscopy
- endoscopy
- colposcopy

13- برداشتن کیسه صفرا ملتهب حاوی سنگ را جراحی ..... می گویند.

- cholelithiasis
- cholelithotomy
- cholelithotripsy
- cholecystectomy
- cholecystitis

14- (سیروز) Cirrhosis یک بیماری است که شامل

- بیرون زدگی غیر طبیعی روده بزرگ
- التهاب روده کوچک
- انقباض مری با تومور
- مشکل در بلع
- تخریب کبد

15- تست گایاک اصطلاحی است که برای تعیین وجود ..... استفاده می شود.

- Gallstones (سنگ کیسه صفرا)
  - blood in the stool (خون در مدفوع)
  - twisting of the small intestine (پیچ خوردن روده کوچک)
  - appendicitis (آپاندیسیت)
  - blood in vomit (خون در استفراغ)
- 16- یک بیمار تحت معاینه پروکتوسکوپی قرار گرفته است ، نتیجه این که پزشک، در میان سایر احتمالات، به دنبال تومور در ..... خواهد

- mouth
- colon
- rectum
- stomach
- gallbladder

17- (Dysphagia) دیسفاژی اصطلاحی است که یک ..... سخت، دردناک یا غیر طبیعی را توصیف می کند

- دفع مدفوع
- تخلیه معده
- بلعیدن
- جویدن غذا

18- یک بیمار تصادف رانندگی شکم متورم دارد و جراح مشکوک به خونریزی از ناحیه شکم است او شکم را سوراخ می کند و هر مایعی را که به دنبال خون است تخلیه می کند. این روش ..... نامیده می شود.

- laparotomy
- endoscopy
- thoracocentesis
- abdominocentesis
- colectomy

19- فردی مبتلا به GERD میباید ، بیماری ..... دارد. (مخفف (Gastro Esophageal Reflux Disease)

- gallbladder disease
- stomach ulcers
- blood in my stool
- alcoholic liver disease
- severe 'heartburn'

20- (Cholangioenterostomy) کلانژیوآنتروستومی روشی را توصیف می کند که:

- داخل کیسه صفرا را با یک ابزار فیبر نوری روشن بررسی می کند.
- از طریق جراحی یک سوراخ بین روده و دیواره شکم ایجاد می کند.
- از طریق جراحی یک راه بین مجرای کیسه صفرا به روده ایجاد می کند.
- شامل اشعه ایکس است که نشان می دهد کیسه صفرا به روده تخلیه می شود و با جراحی برداشته می شود.

21- بازسازی جراحی یا تغییر زیبایی بینی ..... نامیده می شود

- rhinectomy
- rhinoplasty
- rhinopexy
- rhinotomy
- rhinoscopy

22- سرعت تنفس سریعتر از حد طبیعی را ..... می گویند.

- dyspnea
- apnea
- tachypnea
- bradypnea
- pneumoconiosis

23- Hemoptysis هموپتیزی اصطلاحی است که ..... توصیف می کند.

- بینی خونی
- خونریزی از لته
- خون در حفره قفسه سینه
- لخته در یک شریان ریوی
- سرفه خونی از ریه ها

24- بیمار با جسم خارجی در مسیر ریه کاندید انجام کدام یک از روش های زیر خواهد ؟

- Laryngoscopy
- Tracheostomy
- Bronchoscopy
- Laryngectomy
- Pulmonectomy

25- بیماران مبتلا به پنومونی اغلب نفس عمیق کشیدن را دشوار یا دردناک می دانند. اصطلاح آن ..... می باشد.

- tachypnea
- dyspnea
- apnea
- atelectasis
- emphysema

26- روش خاصی برای بررسی رگ های خونی ریه توسط اشعه ایکس .....نامیده می شود.

- a lung scan
- thoracocentesis
- bronchoscopy
- endotracheal intubation
- pulmonary angiography
- 27- تراکتوستومی (**tracheostomy**) روشی است که شامل

- معاینه بصری داخل نای
- یک سوراخ موقت در نای
- یک سوراخ دائمی که در نای
- معاینه بصری مجاری ریه
- بازسازی جراحی نای خرد شده
- 28- اپیستاکیسی (**Epistaxis**) اصطلاحی است برای

- روی هم افتادگی ریه
- خون دماغ
- عطسه غیر قابل کنترل
- سرفه کردن خون از ریه ها
- بیماری ریه معدنچی

29-اغلب پس از جراحی شامل بیهوشی عمومی، بیمار ممکن است برای مدتی ادرار را تخلیه نکند، زیرا کلیه ها تولید ادرار را متوقف کرده اند. این حالت معمولاً ..... موقتی نامیده می شود.

- polyuria
- oliguria
- anuria
- nocturia
- enuresis
- 30- وجود سنگ کلیه .....نامیده می شود

- nephrosis
- hydronephrosis
- nephritis
- nephrolithiasis
- pyelonephrosis
- 31- متخصص بیماری های دستگاه ادراری تحتانی، مثانه و مجرای ادرار، ..... نامیده می شود

- nephrologist
- urologist
- proctologist
- blepharologist
- serologist
- 32- **Nephrolithotomy** (نفرولیتوتومی) اصطلاحی است برای

- برداشتن کلیه
- برداشتن سنگ کلیه
- خرد کردن سنگ کلیه با امواج صوتی
- برداشتن تومور از کلیه
- پیوند کلیه جایگزین

33- اصطلاح تشکیل ادرار کم یا کمتر از حد طبیعی ..... است

anuria ○

enuresis ○

oliguria ○

polyuria ○

nocturia ○

34- روشی که به پزشک اجازه می دهد تا به داخل مثانه نگاه کند و داخل آن را بررسی کند ..... نامیده می

شود.

retrograde pyelogram ○

cystoscopy ○

cystogram ○

voiding cystourethrogram ○

intravenous pyelogram ○

35- چسباندن یا تثبیت با جراحی کلیه ای که در طی یک تصادف رانندگی از جای خود خارج

شده است.....نامیده می شود.

nephrotomy ○

nephrolithotomy ○

nephrolithotripsy ○

nephropexy ○

nephrectomy ○

36- یک گزارش آزمایشگاهی به یک پزشک می رسد که تعداد زیادی گلبول قرمز را در نمونه ادرار

ثبت کرده است. اصطلاح برای آن ..... است

oliguria ○

polyuria ○

anuria ○

hematuria ○

nocturia ○

37- ترمیم جراحی هیپوسپادیا با استفاده از پوست ختنه گاه سر آلت تناسلی..... نامیده می

شود.

orchidopexy ○

balanopexy ○

oophoropexy ○

balanoplasty ○

colpoplasty ○

38- سرطان بیضه معمولاً نیاز به برداشتن آن با جراحی دارد. این روش .....نامیده می شود

orchidectomy ○

orchidoplasty ○

orchidopexy ○

orchiocatabasis ○

orchidoptosis ○

39- hydrocele هیدروسل یعنی :

- رگهای بیضه پر از خون، بزرگ شده است
  - فتق در ناحیه اینگوینال
  - یک کیسه پر از مایع شفاف که اطراف بیضه را احاطه کرده است
  - باز شدن مجرای ادرار در امتداد سطح زیرین آلت تناسلی
  - انسداد جزئی مجرای ادرار در قاعده مثانه
- 40- عمل جراحی که برای رفع انسداد جزئی مجرای ادرار مردانه به دلیل بزرگ شدن غده در قاعده مثانه انجام می شود، ..... نام دارد

BPH ○

TURP ○

IVP ○

UTI ○

CVA ○

41- Cryptorchidism کریپتواریکیڈسم اشاره دارد به :

- عدم وجود مادرزادی بیضه
  - یک بیضه نزول نکرده در کیسه بیضه
  - التهاب یک بیضه
  - تومور بیضه
  - وجود بیضه در یک زن
- 42- یک مرد مبتلا به کمبود تستوسترون به احتمال زیاد ممکن است با کدام یک از عوامل زیر برای بازیابی و حفظ عملکرد جنسی طبیعی درمان شود؟

carcinogenic ○

iatrogenic ○

estrogenic ○

androgenic ○

androgynous ○

43- کاشت جراحی یک بیضه نزول نکرده در کیسه بیضه و قراردادن آن در موقعیت آناتومیک صحیح

آن ..... نامیده می شود.

orchidectomy ○

orchidoplasty ○

orchidopexy ○

orchicatabasis ○

orchidoptosis ○

44- التهاب سر آلت تناسلی ..... نامیده می شود.

oophoritis ○

salpingitis ○

orchiditis ○

balanitis ○

epididymitis ○

45- Hematosalpinx یک اصطلاح توصیف کننده ..... است.

التهاب رحم ○

خون در لوله رحمی ○

پارگی در دیواره واژن ○

پارگی در دیواره واژن ○

خون در شکم ○

46- بازسازی جراحی واژن ..... نامیده می شود

- oophoropexy ○
- balanoplasty ○
- colpoplasty ○
- orchidopexy ○
- colposcopy ○

47- **Dyspareunia** دیسپارونی اصطلاحی برای ..... دردناک، دشوار یا غیر طبیعی است.

- intercourse ○
- menstruation ○
- childbirth delivery ○
- labor ○
- lactation milk production ○

48- **hysterosalpingo-oophorectomy** هیستروسالپینگو اوفورکتومی اصطلاحی برای برداشتن ..... با جراحی است.

- uterus ○
- uterus and uterine tubes ○
- uterus, uterine tubes and ovaries ○
- uterus, uterine tubes and vagina ○
- ovaries ○

49- زنی که دو فرزند دارد، اما چهار بارداری داشته است، در نمودار او به عنوان ..... ذکر شده است.

- gravida 2, para 4 ○
- gravida 4, para 2 ○
- gravida 4, para 4 ○
- gravida 4, para 0 ○

50- **Mammoplasty** ماموپلاستی به ..... گفته می شود.

- removal of a breast ○
- an X-ray of a breast ○
- an abnormally large breast ○
- inflammation of a breast ○
- surgical reconstruction of a breast ○

51- **Oligomenorrhea** الیگومنوره اشاره دارد به .....

- قاعدگی دردناک ○
- توقف دوره های قاعدگی منظم ○
- پریود "از دست رفته" ○
- اندک، کمتر از جریان قاعدگی طبیعی ○
- جریان قاعدگی غیرطبیعی سنگین ○

52- زایمان با درد، دشوار و پیچیده، ..... نامیده می شود.

- dyspnea ○
- dyspareunia ○
- dyspepsia ○
- dysuria ○
- dystocia ○

53- به دلیل افتادگی رحم به داخل واژن، بیمار برای بازگرداندن و چسباندن رحم به موقعیت طبیعی آناتومیکی خود نیاز به جراحی دارد. این روش ..... نامیده می شود

- colpopexy
- colpoplasty
- hysteropexy
- hysterocleisis
- hysterocolpectomy

54- فتق یا افتادگی مثانه به داخل واژن ..... نامیده می شود.

- colpitis
- colpismus
- colpocystitis
- colpocystoplasty
- colpocystocele

55- **Arthroplasty** آرتروپلاستی یعنی:

- تجسم فضای داخلی یک مفصل
- التهاب یک مفصل
- بازسازی مفصل با جراحی
- دژنراسیون خودایمنی مفصل
- رشد غیر طبیعی یک مفصل

55- **Tenorrhaphy** تئورافی اصطلاحی است که ..... را توصیف می کند.

- یک تاندون پاره شده
  - التهاب یک تاندون
  - برداشتن تاندون با جراحی
  - بخیه زدن تاندون پاره شده توسط جراحی
  - اندازه گیری طول تاندون
- 56- اگر آرتریت شما به طور قابل توجهی بدتر شده است و درد و تورم دیگر با دوز بالای آسپرین کنترل نمی شود، پزشک خانواده شما به احتمال زیاد شما را به یک .... ارجاع می دهد

- pathologist
- neurologist
- orthopaedic surgeon
- rheumatologist
- physical therapist



57- استخوان های نرم و لاستیکی به دلیل رسوب ناکافی کلسیم مرتبط با کم ویتامین D .... نامیده می شوند.

osteoporosis ○

osteitis ○

osteomyelitis ○

osteomalacia ○

myeloma ○

58- اصطلاح عضلات دردناک و دردناک است

neuralgia ○

myalgia ○

analgesia ○

arthralgia ○

cephalgia ○

59- **Myasthenia gravis** میاستنتی گراویس شامل ..... می شود

التهاب عضلات ○

تحلیل رفتن عضلات ○

ضعف شدید عضلانی ○

التهاب مفاصل ○

فلج عضلات ○

60- هنگامی که وزنه برداران به طور منظم ورزش می کنند، ماهیچه های آنها قوی تر می شود و افزایش

سایز عضلانی ناشی از آن ..... است

atrophy ○

dystrophy ○

myasthenia ○

myositis ○

hypertrophy ○

61- **Chondrocytes** کندروسیت ها سلول هایی هستند که در آنها ..... یافت می شوند

tendons ○

bones ○

bone marrow ○

cartilage ○

blood ○

62- تومور مغز استخوان..... نامیده می شود

osteitis ○

osteoma ○

myoma ○

myeloma ○

lymphoma ○

63- شکلی از کوتولگی ناشی از achondroplasia آکندروپلازی است که اصطلاح ..... به معنای آن است.

- تومور غضروفی
- التهاب غضروف
- عدم رشد طبیعی غضروف
- غضروف تبدیل به استخوان
- تخریب غضروف

64- روشی برای ارزیابی غلظت عنصر رادیواکتیو تزریق شده در استخوان برای شناسایی تومور احتمالی.....نامیده می شود.

- electromyography
- pyeloscopy
- bone scan
- bone biopsy
- osteopathy

65- التهاب ساختار کمک فتر مانند که از لغزش تاندون روی استخوان محافظت می کند .....نامیده می شود.

- arthritis
- tendonitis
- bursitis
- osteitis
- osteomyelitis

لینک آزمون

[https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLScxxH-A3CbgQxBY-UMB8Y2MrEG5ps8vLsibtBa\\_FRj3tTg7dQ/viewform?usp=sf\\_link](https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLScxxH-A3CbgQxBY-UMB8Y2MrEG5ps8vLsibtBa_FRj3tTg7dQ/viewform?usp=sf_link)